

بررسی کارایی رویکرد معماری مدرن در مقایسه با رویکرد معماری سنتی با استفاده از چارچوب زنده‌واری و نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف (مطالعه موردی سیتی سنتر و بازار هنر اصفهان)

عبدالرضا پورهمايون^۱، هوتن ایروانی^{۲*}، سید محمد رشتیان^۳، محمد بهاروند^۴

۱. پژوهشگر دکتری، دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران

۲. مسئول مکاتبات، استادیار دانشکده معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردستان، اصفهان، ایران

۳. استادیار دانشکده شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران

۴. استادیار دانشکده معماری - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۰۷

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

چکیده

رویکرد پایداری در معماری دربردارنده مفهوم زنده‌واری است. پایداری با تاکید بر حفظ ارتباط انسان و محیط به دنبال تبیین زنده‌واری فضای معماری از طریق تداوم رابطه انسان با محیط پیرامون است. زنده‌وار محصولی انسان‌ساخت است که خود انسان نقش اساسی در سرزندگی آن دارد. از اینرو یک معماری زنده‌وار پاسخگوی تمامی ابعاد و جنبه‌های وجودی انسان اعم از ابعاد عینی و ذهنی است. هدف این تحقیق بررسی کارایی رویکرد معماری مدرن در مقایسه با رویکرد معماری سنتی با استفاده از چارچوب زنده‌واری است. این تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، توصیفی و پیمایشی و نیز از نوع تحلیلی است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌هایی که از مطالعه نقشه‌ها و تبدیل آنها به سامانه‌های منطقی اولیه به دست آمده است و همچنین داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تهیه پرسشنامه، با استفاده از روش تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت مدل تحلیل گفتمانی برای بازتعریف مفهوم زنده‌واری در معماری تدوین می‌گردد. پس از بررسی گفتمان انتقادی و نظریه فرکلاف در این مورد و تطابق‌پذیری موارد این گفتمان با مباحث لایه‌های زنده‌واری که در آن یک نگاه سیستماتیک به بنای معماری داشته دارد به این نتیجه رسیدیم که الگوی سنتی و مدرن در شهر اصفهان مطرح نمی‌باشد (توضیح ایراد سوم: اینکه مهم‌ترین مورد، بحث کانتکست و زمینه و نهایتاً طبیعی سازی و تعادل بوده) و عملاً به علت این که در جای درست و تعادل و طبیعی سازی محقق گردیده عملاً هیچ یک از الگوهای سنتی و مدرن ملاک تعیین طرح معماری نمی‌باشد و مهم‌ترین مورد، بحث کانتکست و زمینه و نهایتاً طبیعی سازی و تعادل بوده که هر دو بنا در زمینه شهر اصفهان جواب مثبت دادند و همین نشان دهنده درست بودن معادل‌سازی و تعادل و طبیعی سازی این نظریه‌ها است. به طوری که به این نتیجه رسیدیم که این دو می‌توانند بر هم منطبق باشند و ملاک تعیین طراح مجتمع تجاری قرار گیرند.

کلید واژه‌ها: زنده‌واری، معنای محیط، معنا کاوی، تحلیل گفتمان، فرکلاف.

بیان مسئله

یک پدیده معماری بر مبنای عوامل مختلفی نظیر شرایط اقلیمی و زیست محیطی (عوامل طبیعی)، تناسبات و اندازه‌ها در معماری، اعتقادات و باورهای شخصی (عوامل انسانی) و غیره ارزش‌گذاری شده و بر مبنای این ارزش‌ها شکل می‌گیرد. حضور انسان در کنار معماری امری اجتناب‌ناپذیر بوده و در واقع همین حضور است که معماری را به‌عنوان یک سامانه انسانی زنده نگه می‌دارد. سامانه زنده، سامانه‌ای است که قابلیت توسعه و تعامل با محیط اطراف خود را دارا بوده و مبنای معماری پایدار را شامل شود، از این رو معماری به دلیل حضور هم‌زمان انسان و محیط باید سامانه‌ای باشد که زنده‌بودن را تبیین کند.

رویکرد پایداری در معماری دربردارنده مفهوم زنده‌واری است. پایداری با تاکید بر حفظ ارتباط انسان و محیط به دنبال تبیین زنده‌واری فضای معماری از طریق تداوم رابطه انسان با محیط پیرامون است. زنده‌وار محصولی انسان‌ساخت است که خود انسان نقش اساسی در سرزندگی آن دارد. از این رو یک معماری زنده‌وار پاسخگوی تمامی ابعاد و جنبه‌های وجودی انسان اعم از ابعاد عینی و ذهنی است (Iravani, 2015).

توسعه پایدار، مفهوم جدیدی است که پس از انقلاب صنعتی و معضلات ایجاد شده در رابطه با صنعتی شدن جوامع و توسعه تکنولوژیک شهرها، و از طریق پیوند بین ابعاد مختلف توسعه (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی) و توجه خاص به ملاحظات اکولوژیکی، شکل گرفته است. توسعه پایدار دارای رویکردی جامع، طبیعت‌گرا و انسان‌مدار و دربردارنده مفاهیم ارزشمندی در زمینه حفظ، ارتقا و بهبود سلامت انسان‌ها و نظام‌های اکولوژی در بلندمدت و تأمین نیازهای بشری، بدون از بین بردن توانایی نسل آینده است و رسیدن به پویایی اقتصادی، محیط‌زیست قابل زندگی و برابری اجتماعی از ابعاد مهم آن به شمار می‌آید (Iravani, 2018).

پرسش تحقیق

از منظر نگرش انسان به کالبد، در فرایند حضور در فضا و ادراک آن، فضای زنده‌وار چگونه فضایی است و چه ویژگی‌هایی دارد؟

و آیا مجتمع‌های تجاری در شهر اصفهان با رویکرد سنتی مناسب‌تر هستند و یا با رویکرد مدرن؟

فرضیه

(برای جواب سوال اول) اگر فضا بتواند در فرایند خوانش، ادراک و شناخت توسط مخاطب با وی ارتباط برقرار نموده و باعث حضور وی گردد، فضایی زنده‌وار است و (برای جواب سوال دوم) هم‌چنین عملاً هیچ یک از الگوهای سنتی و مدرن ملاک تعیین طرح معماری نمی‌باشد و مهم‌ترین مورد، بحث کانتکست و زمینه و نهایتاً طبیعی سازی و تعادل است.

زنده‌واری

امروزه طراحان و معماران برای دست‌یابی به جهت‌گیری و نگرش به فرایند طراحی نیازمند به رویکردی می‌باشند که با همه جنبه‌ها و اهداف طرح هم‌خوانی داشته باشد و ایدئولوژی طراحی را دربرگیرد. رویکردها در معماری طیف گسترده‌ای

را در بر می‌گیرد که هرکدام معماری را از یک جهت بررسی می‌کند. یکی از این رویکردها رویکرد زنده‌واری بوده که رویکرد جامع و کاملی می‌باشد و می‌تواند بیشتر نیازهای کاربران را پاسخگو باشد

این رویکرد با تاکید بر حفظ ارتباط انسان و معماری، بقای فضاهای معماری را به‌عنوان یک سامانه زنده، وابسته به حضور مؤثر و مداوم انسان در فضا می‌داند. معماری زنده‌وار محصولی انسان‌ساخت است که خود انسان نقش اساسی در سرزندگی آن دارد. ازاین‌رو یک معماری زنده‌وار پاسخگویی تمامی ابعاد و جنبه‌های وجودی انسان اعم از ابعاد عینی و ذهنی است. با نگاه فلسفی به مساله زنده‌واری دیده شد، جهان گیتی، انسان و معماری که سامانه ای انسان ساخت بوده، هر کدام به تنهایی هر ۲۵ لایه وجودی را بر خلاف بسیاری از موجودات دیگر که ممکن است تعداد محدودی از این لایه‌ها را در بر داشته باشند، به خود اختصاص داده اند.

جدول ۱ - تشریح لایه‌ها و زیرمجموعه‌های آنان

ردیف	عنوان لایه	تعریف لایه
۱	لایه شمارشی	لایه شمارشی یک قیاس کمی است و در برگزیده عناصر کمی هست
۲	لایه فضای	این لایه در پی محقق ساختن انتظارات کاربر از فضا و ترجیحات کاربر از حس تجربه در فضا است
۳	لایه حرکتی	این لایه به بررسی توانایی‌های حرکتی و الزامات حرکتی کاربران می‌پردازد
۴	لایه فیزیکی	این لایه به کالبد انسان و مشخصه‌های فیزیکی کاربران توجه دارد
۵	لایه شیمیایی	در لایه شیمیایی به بررسی متابولیسم و ساختارهای شیمیایی انسان می‌پردازد
۶	لایه مکانیکی ساده	این لایه به توانایی‌های فیزیکی انسان دلالت دارد
۷	لایه کنترلی	این لایه به بررسی توانایی کنترل و تسلط کاربران بااراده خود می‌پردازد
۸	لایه خودکنترلی	این لایه مکمل لایه کنترلی بوده و به توانایی‌ها و تسلط کاربران که از طرف سیستم بدنی کنترل می‌شود می‌پردازد
۹	لایه زیستی	این لایه به بررسی زیست‌شناسی انسانی و راه‌های بهتر زیستن و سلامت اشاره و یکی از مهم‌ترین لایه‌های تشکیل‌دهنده وجود انسان است
۱۰	لایه محیطی	این لایه به محیطی و محدوده جغرافیا که انسان در آن زندگی می‌کند اشاره دارد. این لایه می‌تواند به بسیار اطلاعات در زمینه فرهنگ و مذهبی، سبک زندگی، ویژگی‌های کیفیت زندگی دست‌یافت
۱۱	لایه اقلیمی	این لایه در ارتباط با شرایط آسایش انسان است
۱۲	لایه احساسی	این لایه به مقوله روان‌شناسی انسان در ارتباط است
۱۳	لایه تصویری	این لایه به دیدگاه انسان به زندگی اشاره دارد
۱۴	لایه وهمی	این لایه به تأویل‌های نمادین انسان به زندگی اشاره دارد
۱۵	لایه تحلیلی	این لایه انسان به کمک عقل به قیاس و استقرایی تجارب خود می‌پردازد و تپش فکری با موجودیت از این لایه آغاز می‌شود
۱۶	لایه آموزشی	به میزان سود و آگاهی انسان می‌پردازد
۱۷	لایه تاریخی	این لایه به نقش تاریخی انسان در همه زمینه‌ها می‌پردازد

۱۸	لایه خلاقیتی	این لایه به پرورش قوه خلاقیت انسان می‌پردازد
۱۹	لایه رسانه‌ای	این لایه به ارتباطات پیامی و ارتباطی بین انسان‌ها اشاره دارد
۲۰	لایه اجتماعی	این لایه به تعیین الگو روابط اجتماعی می‌پردازد
۲۱	لایه اقتصادی	به بررسی وضعیت اقتصادی و معیشتی انسان می‌پردازد
۲۲	لایه زیباشناسی	این لایه به تعریف انسان از زیباشناسی می‌پردازد
۲۳	لایه حقوقی	این لایه در برگیرنده حقوق انسان‌هاست
۲۴	لایه اخلاقی	این لایه در پی بررسی اخلاقیات در انسان است
۲۵	لایه باوری	این لایه به بررسی بایدها و نبایدها و باورهای درست و نادرست بین انسان‌ها می‌پردازد

منبع: (ایروانی، ۲۰۲۱)

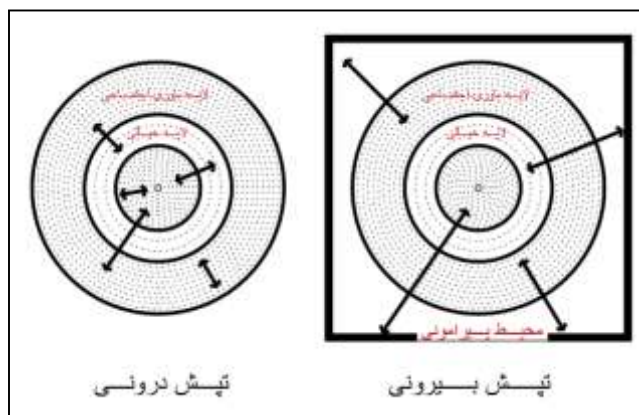
لایه‌های اقلیمی - فضایی، وهمی - خیالی و باوری - اجتماعی؛ به‌عنوان سر لایه‌های ۲۵ لایه جدول فوق مطرح می‌شوند. زیرلایه‌ای که در اینجا بسیار حائز اهمیت است، زیرلایه اخلاقی است که مهم‌ترین مفهوم مربوط به رعایت عدالت بوده که زمینه‌ساز رسیدن به باور توسعه زنده‌وار در لایه باوری است (این لایه به‌عنوان سرلایه جهان معنا بوده و شاخص لایه‌های دیگر بوده و بنا به رابطه آن‌ها را در بر می‌گیرد) (پورهمایون، ۲۰۲۱). زنده‌واری، زیرمجموعه‌ای از رویکرد پایداری در معماری است. امروزه طراحان و معماران برای دستیابی به فرایند طراحی فضاهای معماری نیازمند به رویکردی هستند که با همه جنبه‌ها و اهداف طرح هم‌خوانی داشته باشد و ایدئولوژی طراحی در برگیرد. رویکردها در معماری طیف گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که هر کدام معماری را از یک جهت بررسی می‌کنند. رویکرد زنده‌واری به دلیل پرداختن به تمامی جوانب فضای معماری اعم از ویژگی‌های کالبدی، نحوه ارتباط انسان و محیط و توجه به نیازهای والای انسانی، رویکرد جامع و کاملی است که می‌تواند پاسخگوی همه توقعات انسان از یک محیط مطلوب باشد.

الگوی معماری زنده‌وار برون‌داد استقرایی از مطالعه سه دامنه مطالعاتی فلسفی: حکمت متعالیه ملاصدرا، فلسفه علم، فلسفه کاسمونومیک و هم‌چنین نگرش سیستمی است. زنده‌واری اگرچه از همه این دامنه‌های نظری تأثیر پذیرفته است ولی خود به‌تنهایی دارای استقلال نظری و قابل‌تعمیم به دامنه‌های غیر معماری نیز خواهد بود. بر اساس الگوی مذکور معماری از لایه‌های متداخل و بیست و پنج‌گانه تشکیل یافته که لایه‌های نرم‌تر و انسانی‌تر آن دربرگیرنده لایه‌های سخت‌تر است. در بحث زنده‌واری بین لایه‌ها رابطه طبعی وجود دارد که لایه‌های زیرین به‌عنوان علت ناقص و زمینه‌ساز وجود لایه‌های عالی‌تر هستند (ایروانی و زمانی، ۱۳۹۷)

در حقیقت لایه‌های زیرین و قبلی را نیز خواهیم داشت. بیست و پنج لایه زنده‌واری را می‌توان به سه بخش تقسیم نمود که این لایه‌ها در ارتباط و هم‌پوشانی با هم قرار دارند. این ۲۵ لایه در دو جهت: از درون با یکدیگر و از برون با محیط در تعامل بوده که به ترتیب تپش درونی و بیرونی نامیده می‌شود؛ بنابراین، توسعه بهنجار معماری در گرو هماهنگی این دو تعامل بوده به‌طوری‌که در هر مرحله از ارتباط میان این لایه‌ها تعادل برقرار باشد به بیان دیگر سامانه معماری از یک مرحله از تعادل به مرحله دیگری از تعادل هدایت و توسعه می‌یابد (Iravani, 2015).

هر موجود، سامانه و سیستم زنده‌وار که در سه حالت زیر در شرایط مطلوب قرار داشته باشد در چارچوب مفهوم زنده‌واری قرار می‌گیرد.

همه لایه‌های وجودی باید در نظر گرفته شده باشند. (فراگیری و جامعیت)
 بین لایه‌های وجود هماهنگی وجود داشته باشد. (تپش درونی)
 هر یک از لایه‌ها در رابطه با محیط پیرامون به تعادل رسیده باشند. (تپش بیرونی)



شکل ۱- رتباط لایه‌ها با محیط درونی و بیرونی

رویکرد فرکلاف: (گفتمان به مثابه عمل اجتماعی)

فرکلاف، یکی از شخصیت‌های شاخص در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نگاه وی، تحلیل گفتمان انتقادی، روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود؛ مرجعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. رویکرد فرکلاف، نوعی تحلیل گفتمان متن محور است که تلاش می‌کند سه سنت را با یکدیگر تلفیق کند:

- ۱- تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی (شامل گرامر کارکردی مایکل هالیدی)؛
- ۲- تحلیل جامعه‌شناختی کلان کنش اجتماعی (شامل نظریه فوکو که روش‌شناسی مشخصی برای تحلیل متن در اختیار ما قرار نمی‌دهد)؛
- ۳- سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی (شامل تحلیل گفت‌وگو) که بر اساس اینها زندگی روزمره محصول کنش‌های اجتماعی افراد به شمار می‌آیند؛ کنش‌هایی که بر اساس پیروی از مجموعه‌ای از قواعد و رویه‌های «معرفت عامیانه» مشترک انجام می‌گیرند (Chiapello, 2002).

فرکلاف، کار خود را با انتقاد از رویکردهای توصیفی و غیرانتقادی در زبان‌شناسی و مطالعات پدیده‌های زبانی، آغاز می‌کند. به‌زعم وی، این دیدگاه‌ها به تبیین شیوه‌های شکل‌گیری اجتماعی کنش‌های گفتمانی یا تأثیرات اجتماعی آنها توجه ندارند، بلکه تنها به بررسی توصیفی ساختار و کارکرد کنش‌های گفتمانی بسنده می‌کنند، درحالی‌که تحلیل گفتمان انتقادی، در بررسی پدیده‌های زبانی و کنش‌های گفتمانی، به فرایندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی،

سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان و ... توجه کرده است و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود قرار داده است (Fairclough, 2004). الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف، نشئت‌گرفته از تعامل میان قدرت و زبان است. وی گفتمان را شامل متن و معرفت‌های اجتماعی تولید و تفسیر متن می‌داند و بر این باور است که این معارف اجتماعی به سه سطح متفاوت سازمان اجتماعی مرتبط می‌شوند: شرایط اجتماعی یا محیط بلافصل اجتماعی که گفتمان در آن حادث شده است؛ سطح نهاد اجتماعی که گفتمان را در یک گستره‌ای وسیع در برمی‌گیرد؛ و سطح جامعه، به منزله یک کل. فرکلاف گفتمان را در سه سطح بررسی می‌کند:

گفتمان به‌مثابه متن، گفتمان به‌مثابه اعمال گفتمانی و کنش متقابل میان تولید و تفسیر متن و در نهایت گفتمان به‌مثابه زمینه متن به معنای روابط کنش‌های گفتمانی و بسترهای اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی. از نظر فرکلاف، زبان یک عمل اجتماعی است. این تفکر متضمن چند مفهوم ضمنی است:

۱- زبان بخشی از جامعه است و خارج از آن نیست؛

۲- زبان فرایندی اجتماعی است؛

۳- زبان یک فرایند مشروط اجتماعی؛ یعنی مشروط به سایر بخش‌های غیرزبانی جامعه است. (جعفری، ۱۳۸۹)

در اکثر کتاب‌هایی که درباره زبان نوشته شده است، ارتباط میان زبان و جامعه، چنان تصویر می‌شود که گویی آنها دو چیز مستقل‌اند که گاهی با هم تعاملاتی دارند. اما فرکلاف، این ارتباط را نه بیرونی، بلکه درونی می‌داند. به نظر وی زبان بخشی از جامعه است. پدیده‌های زبان‌شناختی، پدیده‌های اجتماعی خاصی هستند و پدیده‌های اجتماعی تا حدی پدیده‌های زبان‌شناختی هستند. اجتماعی بودن پدیده‌های زبان‌شناختی، بدین معناست که هر زمان، هر جا و به هر نحو (صحبت کردن، نوشتن، خواندن) که مردم زبان را به کار گیرند، تحت‌تأثیر جامعه و شرایط اجتماعی هستند. زمانی هم که افراد در درون خانواده خود و به‌دوراز جامعه هستند، زبان را بر اساس قراردادهای اجتماعی به کار می‌گیرند. نکته مهم از دید فرکلاف این است که اگرچه تمام پدیده‌های زبان‌شناختی، اجتماعی‌اند، اما عکس آن صادق نیست؛ یعنی همه پدیده‌های اجتماعی زبانی نیستند. مثلاً زمانی که در خصوص معانی واژه‌های سیاسی چون دموکراسی، تروریسم و ... بحث می‌کنیم، از عناصر زبانی بهره می‌گیریم. اما این فقط بخشی از کل سیاست است؛ بنابراین، رابطه میان زبان و جامعه، رابطه متقارن و یک‌به‌یک نیست، بلکه جامعه کل است و زبان فقط بخشی از آن است (آقا گل زاده، و همکاران، ۱۳۹۱). دومین مفهوم ضمنی، بر تمایز میان گفتمان و متن اشاره دارد. منظور فرکلاف از متن، متن گفتاری و نوشتاری است. از نظر وی، اصطلاح «متن» محصول فرایندی است که به تولید متن می‌انجامد. فرکلاف از اصطلاح گفتمان برای اشاره به کل فرایند تعامل اجتماعی استفاده می‌کند که متن تنها بخشی از آن است؛ زیرا وی برای گفتمان سه عنصر در نظر می‌گیرد که عبارت‌اند از: متن، تعامل و بافت اجتماعی. فرایند تعامل اجتماعی، علاوه بر خود متن، شامل فرایند تولید متن و تفسیر آن است. خود متن، مرجع آن تفسیر است. بر اساس رابطه کل به جزئی که میان گفتمان و متن برقرار است، تحلیل متن نیز بخشی از چشم‌انداز تحلیل

گفتمان است. از چشم‌انداز تحلیل گفتمان، ویژگی‌های صوری متن از یک سو به‌عنوان رد پاهای فرایند تولید و از دیگر سو، به‌عنوان سر نخ‌هایی در فرایند تفسیر در نظر گرفته شود. (Fairclough, 2004). در هر تحلیل گفتمانی دو بعد از گفتمان دارای اهمیت است:

۱- رخدادهای ارتباطی: نمونه‌ای از کاربرد زبان از قبیل مقاله، روزنامه، فیلم سینمایی، ویدئو، مصاحبه یا سخنرانی سیاسی.
 ۲- نظم گفتمانی: ترکیب‌بندی تمامی گونه‌های گفتمانی به کار گرفته شده در یک نهاد یا میدان اجتماعی است. مانند نظم گفتمانی رسانه، خدمات درمانی، یا بیمارستان. در یک نظم گفتمانی، عمل‌های گفتمانی مشخصی وجود دارند که متن و گفت‌وگو را آنها تولید و مصرف یا تفسیر می‌کنند. در هر عمل گفتمانی، یعنی در تولید و مصرف متن و گفت‌وگو، گونه‌های گفتمانی به شکل خاصی به کار گرفته می‌شوند. گونه‌های گفتمانی متشکل از گفتمان‌ها و ژانرها هستند «ژانر» کاربرد خاصی از زبان است که بخشی از یک عمل اجتماعی مشخص را تشکیل داده، آن را می‌سازد. مانند ژانر مصاحبه، ژانر اخبار، ژانر تبلیغات (فرکلاف، ۱۳۹۹).

فرکلاف، گفتمان را متشکل از سه بعد متن، عمل گفتمانی، عمل اجتماعی می‌داند؛ بنابراین، در هر رخدادی ارتباطی، باید این سه بعد را لحاظ کرد. فرکلاف مدل نظری خود را در کتاب زبان و قدرت به شکل نمودار زیر ترسیم می‌کند:

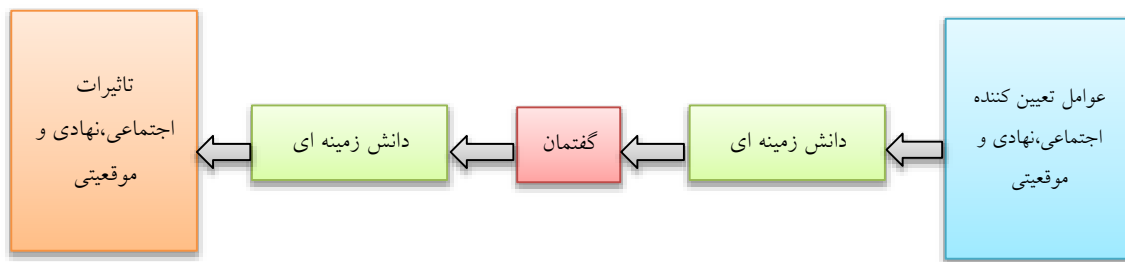


شکل ۲ - مدل سه‌بعدی گفتمان و عناصر تشکیل‌دهنده آن و تعامل این عناصر با یکدیگر (فرکلاف، ۱۳۹۹)

در واقع، این مدل سه‌بعدی، چارچوبی است تحلیلی برای تحقیق تجربی درباره ارتباطات و جامعه. هر نوع تحلیل گفتمان رخدادهای ارتباطی، باید ابعاد سه‌گانه فوق را پوشش دهد؛ بنابراین، تحلیل گفتمان باید بر موارد زیر متمرکز شود:

- ۱- ویژگی‌های زبانی متن
 - ۲- فرایندهای مرتبط با تولید و مصرف متن (عمل گفتمانی)؛
 - ۳- عمل اجتماعی گسترده‌تری که آن رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد (عمل اجتماعی).
- این مدل بیانگر این اصل است که متن را نمی‌توان در خلأ فهم یا تحلیل کرد؛ هر متنی را باید در رابطه با شبکه‌های سایر متون و در رابطه با بستر اجتماعی فهمید.

فرکلاف، تأثیرات اجتماعی گفتمان و عوامل تعیین‌کننده آن را در سه سطح سازمان اجتماعی، یعنی اجتماعی، نهادی و موقعیتی به‌عنوان یک فرض مقدماتی می‌پذیرد و معتقد است که به‌حسب این سطوح سازمان اجتماعی، و بسته به اینکه نگاه ما به کدام یک از سه کنش نهادی، موقعیتی و یا اجتماعی معطوف شود، روش‌های گوناگونی برای نگرستن به یک گفتمان واحد وجود دارد. البته این امر، لزوماً به معنای دیدن ویژگی‌های گوناگون گفتمان در این سه سطح نیست، بلکه به معنای دیدن ویژگی‌های یکسان از منظرهای متفاوت است. تحقیق و بررسی عوامل تعیین‌کننده گفتمان در سطح اجتماعی و نهادی، به‌سادگی می‌تواند به تحلیل جامعه‌شناسانه دقیق منتهی شود. این امر، برای فرکلاف که گفتمان را یک کنش اجتماعی می‌داند، موضوع عجیب نیست. ولی وی به‌روشنی تمام، به محدودیت‌های عملی خاصی نیز اذعان دارد که مانع از آن می‌شوند که تحلیل گران انتقادی گفتمان بتوانند گام‌های بلند و مثمر ثمری در این زمینه بردارند.

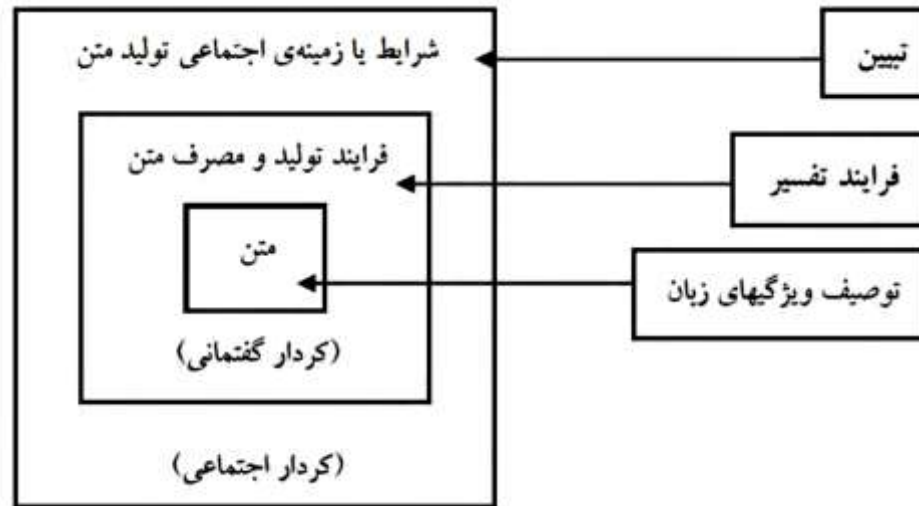


شکل ۳ - مدل تبیین از نظر فرکلاف (همان، ۱۳۹۹)

مرحله تبیین، متضمن چشم‌انداز خاصی درباره دانش زمینه‌ای است که این چشم‌اندازها، مشخصاً به‌عنوان ایدئولوژی‌های گوناگون قلمداد می‌شوند. این بدان معناست که پیش‌فرض‌های مربوط به فرهنگ، مناسبات اجتماعی و هویت‌های اجتماعی که خود جزئی از دانش زمینه‌ای هستند، توسط مناسبات قدرت در جامعه یا نهاد تعیین می‌شوند و از نظر نقشی، که بر مبارزه جهت حفظ یا تغییر روابط قدرت دارند، از منظر ایدئولوژیک نگرسته می‌شوند.

تحلیل گفتمان انتقادی تحت‌تأثیر زبان‌شناسی انتقادی و اندیشه‌های فوکو، هابرماس، گرامشی و آلتوسر ارتباط وثیقی میان زبان، ایدئولوژی و قدرت می‌بیند. هدف از تحلیل انتقادی، یک گفتمان کشف این ارتباط و نشان‌دادن باورها و ارزش‌های ایدئولوژیکی است که به‌صورت طبیعی و عقل سلیم جلوه یافته‌اند. در تحلیل گفتمان انتقادی رویکردهای متفاوتی وجود دارد. امتیاز رویکرد فرکلاف این است که گفتمان را به‌عنوان یک رخداد زبانی، بخشی از عمل اجتماعی به‌حساب می‌آورد. به بیان دیگر، وی برخلاف فوکو، لاکلاو و موف که همه پدیده‌های اجتماعی را گفتمانی می‌شمارند، به جنبه‌های غیرگفتمانی امور اجتماعی توجه دارد و گفتمان را با این امور غیرگفتمانی تفسیر و تحلیل می‌کند؛ زیرا وی تحلیل گفتمان را به‌تنهایی، و بدون توجه به ابعاد غیرگفتمانی برای تبیین کنش اجتماعی کافی نمی‌داند. به همین جهت، به نظر می‌رسد رویکرد فرکلاف، به لحاظ روشی نیز از قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری برخوردار است. روش‌شناسی فرکلاف، متشکل از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین است. هریک از اینها ناظر به یکی از ابعاد سه‌گانه گفتمان در دیدگاه وی است. ارتباط میان این ابعاد سه‌گانه، گفتمان و مراحل سه‌گانه روش‌شناختی را به شکل زیر می‌توان ترسیم کرد.

نظر فرکلاف، هرچند نسبت به سایر رویکردهای تحلیل انتقادی گفتمان، از جامعیت و دقت بیشتری برخوردار است، اما هم به لحاظ مبنایی و هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ روشی با مشکلاتی مواجه است.



شکل ۴ - مدل تحلیل گفتمان انتقادی از نظر فرکلاف

معرفی برخی از مجتمع‌های تجاری شهر اصفهان نمونه‌های موردی:

۱- سیتی سنتر اصفهان

این مرکز تجاری - تفریحی مدرن و شیک در ۷ طبقه بنا شده و شامل واحدهای تجاری فروش مارک‌های داخلی و خارجی، شعب مختلف بانک‌ها، صرافی، رستوران‌های ملل مختلف، پارکینگ مسقف، سینما، فودکورت، سالن‌های مختلف ورزشی و بزرگ‌ترین شهربازی سرپوشیده در خاورمیانه است.

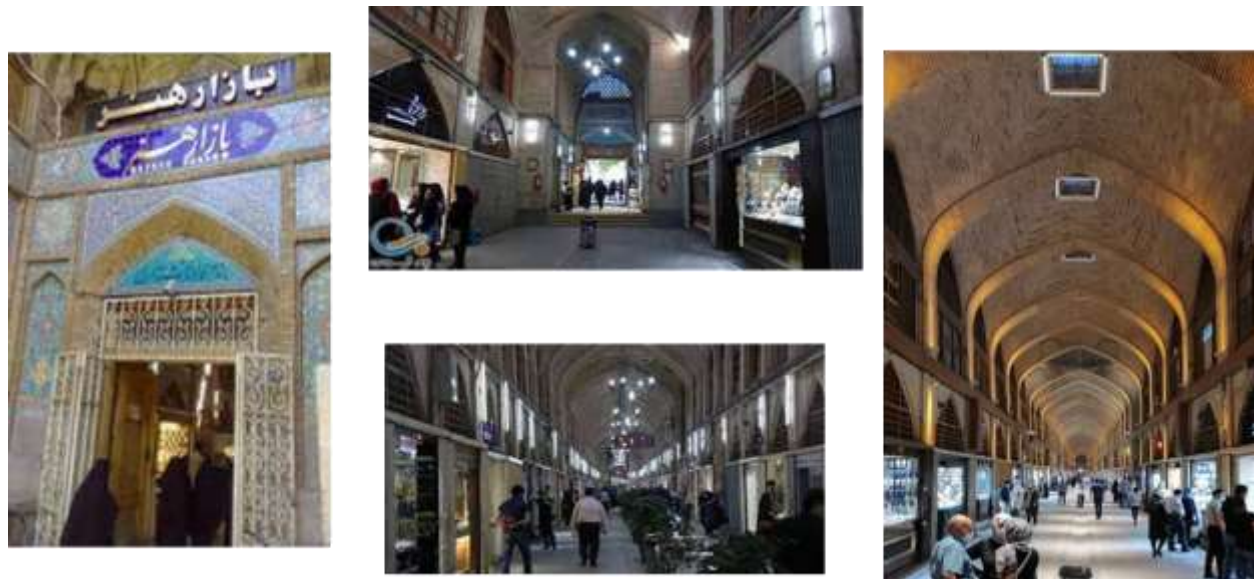


شکل ۵ - سیتی سنتر اصفهان

۲- بازار هنر اصفهان

این بازار جزو شاهکارهای معماری صفویه بوده که نام آن بازار کاروانسرای مادر شاه بوده و بعدها نام آن به بازار هنر تغییر می‌کند. این بازار به دلیل ارتفاع هشت متری آن به بازار بلند هم معروف بوده است. تاریخ ساخت بنای بازار به سال ۱۱۱۶ ه.ق و تاریخ اتمام آن به سال ۱۱۱۸ باز می‌گردد که در سال ۱۳۴۰ توسط اوقاف به دست هنرمندان سپرده می‌شود تا

بنای بازار از بین نرود و ایشان صنایع دستی خویش را که امروزه عمدتاً طلا و جواهر است به فروش می‌رسانند. بنای بازار دو طبقه بوده و مصالح بکار رفته از خشت و آجر می‌باشد. طول بازار بطور تقریبی ۲۰۰ متر و دارای ۷۸ مغازه‌است.



شکل ۶ - بازار هنر اصفهان

روش پژوهش

روش پژوهش از نظر هدف کاربردی و به‌صورت توصیفی تحلیلی انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌هایی که از مطالعه نقشه‌ها و تبدیل آنها به سامانه‌های منطقی اولیه به دست آمده است و همچنین داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها و تهیه پرسشنامه، با استفاده از روش تحلیل گفتمان فرکلاف در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد تحلیل قرار گرفته و در نهایت مدل تحلیل گفتمانی برای بازتعریف مفهوم زنده‌واری در معماری تدوین می‌گردد. در این پژوهش، هدف اصلی بررسی عوامل پویایی و زنده‌واری معماری است که موجب ارتباطی قوی بین انسان با معماری می‌شود. برای دستیابی به هدف پژوهش دو مجتمع تجاری به‌عنوان نمونه موردی (حجم نمونه بصورت مقایسه تطبیقی) انتخاب شد و پرسشنامه‌ای بر اساس ۲۵ لایه زنده‌واری به کمک تعدادی از متخصصان طراحی و تکمیل گردید. لایه‌های اقلیمی - فضایی، وهمی - خیالی و باوری - اجتماعی، به‌عنوان سرلایه‌های ۲۵ لایه برای هر یک از مجتمع‌های تجاری مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

میزان آلفای کرونباخ برای کل سؤالات پرسشنامه برابر با ۰,۹۴ محاسبه شد بنابراین پرسشنامه از پایایی بسیار خوبی برخوردار است. همچنین میزان آلفای کرونباخ برای سؤالات مربوط به هر یک از مجتمع‌های تجاری در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۲ - آلفای کرونباخ

سیتی ستر	بازار هنر	مجتمع تجاری
۰,۹۲	۰,۹۱	ضریب آلفا

مطابق جدول فوق میزان آلفای کرونباخ برای سؤالات مربوط به هر یک از مجتمع‌های تجاری بالای ۰,۹ است بنابراین پرسشنامه از پایایی بسیار خوبی برخوردار است.

تحلیل توصیفی داده‌ها

در این بخش به منظور توصیف داده‌ها و اطلاعات، رایج‌ترین شاخص‌های پراکندگی و مرکزی را مطرح می‌کنیم. شاخص‌های مرکزی، مقادیر مرکزی و متوسط داده‌ها را نشان می‌دهند و شاخص‌های پراکندگی، چگونگی پخش داده‌ها حول یک مقدار مرکزی را نمایان می‌کنند.

جدول ۳ - تحلیل توصیفی داده‌ها

سیتی ستر	بازار هنر	
۶,۴	۶,۷	میانگین زنده‌واری
۶,۴	۶,۹	میانه زنده‌واری
۱,۲۶	۱,۲۴	انحراف معیار زنده‌واری

طبق جدول فوق زنده‌واری هریک از مجتمع‌های تجاری مورد بررسی قرار گرفت و میانگین، میانه و انحراف معیار زنده‌واری محاسبه گردید. از مزایای میانه عدم تأثیرپذیری از مقدارهای خیلی بزرگ یا خیلی کوچک است در حالی که میانگین به سمت مقدارهای خیلی بزرگ یا خیلی کوچک متمایل می‌شود. اگر داده‌ها به شکل مناسبی توزیع شده باشند یعنی متقارن باشند میانگین و میانه در یک نقطه قرار می‌گیرند؛ بنابراین هرچقدر میانه و میانگین به یکدیگر نزدیک باشند بیانگر تقارن بیشتر داده‌ها است.

جدول ۴ - بررسی نرمال بودن داده‌ها

آزمون کلموگروف - اسمیرنوف			نمونه موردی
P مقدار	درجه آزادی	آماره آزمون	
۰,۰۸۴	۵۹	۰,۱۰۸	بازار هنر
۰,۲	۵۹	۰,۱۰۱	سیتی ستر

فرض صفر در آزمون کولموگروف - اسمیرنوف عبارت است از پیروی داده‌ها از توزیع نرمال و فرض مقابل آن عدم پیروی داده‌ها از توزیع نرمال است. باتوجه به مقدار p در سطح معناداری ۰,۰۵ برای همه مجتمع‌های تجاری فرض صفر پذیرفته می‌شود؛ بنابراین توزیع داده‌ها منطبق بر توزیع نرمال قلمداد می‌گردد.

استنباط آماری

هدف آزمون فرض‌های آماری تعیین این موضوع است که باتوجه به اطلاعات به دست آمده از داده‌های نمونه، حدسی که درباره خصوصیتی از جامعه وجود دارد تأیید می‌شود یا خیر.

آزمون t-test (t تک نمونه‌ای):

جهت بررسی این فرض که "آیا میانگین زنده‌واری برای مجتمع‌های تجاری برابر با ۵ است یا خیر؟" این آزمون انجام می‌شود.

جدول ۵ - آماره آزمون تی

One-Sample Test						
Test Value = 5						
گزینه‌ها	آماره t	درجه آزادی	مقدار P	اختلاف میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد	
					کران بالا	کران پایین
بازار هنر	۱۰,۷۲۵	۵۸	۰,۰۰۰	۱,۷۳۴	۱,۴۱۰	۲,۰۵۷
سیتی‌ستتر	۸,۴۵۲	۵۸	۰,۰۰۰	۱,۱۳۸۹	۱,۰۶۰	۱,۷۱۸

طبق جدول ۵ میانگین زنده‌واری بازار هنر و سیتی‌ستتر بیشتر از مقدار متوسط ۵ است. به عبارت دیگر باتوجه به p مقدار فرض برابری زنده‌واری با مقدار متوسط ۵ در این مجتمع‌ها رد می‌شود.

آنالیز واریانس یک‌طرفه

پاسخ‌دهندگان از لحاظ سطح تحصیلات در ۳ گروه قرار گرفته‌اند که این ۳ گروه شامل کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری است. جهت بررسی وجود تفاوت معنی‌دار بین گروه‌های مختلف از آنالیز واریانس استفاده کردیم. به عبارت دیگر می‌خواهیم بدانیم آیا سطح تحصیلات افراد در نظر آنها راجع به زنده‌واری مجتمع‌های تجاری تأثیرگذار است؟

جدول ۷ - تحصیلات پاسخ‌دهندگان در ارتباط با نمونه‌های موردی

نمونه موردی	تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای میانگین		مینیمم	ماکسیمم
					کران پایین	کران بالا		
بازار هنر	کارشناسی	۱۱	۶,۹	۰,۷۸	۶,۴	۷,۵	۵,۵	۷,۸
	کارشناسی ارشد	۳۱	۶,۶	۱,۵	۶	۷,۱	۲,۴	۸,۸
	دکتری	۱۷	۶,۸	۰,۹۹	۶,۳	۷,۳	۴,۸	۸,۵
سیتی‌ستتر	کارشناسی	۱۱	۶,۶	۱,۶	۵,۵	۷,۷	۳,۴	۸,۵
	کارشناسی ارشد	۳۱	۶,۳	۱,۲	۵,۹	۶,۸	۲	۸
	دکتری	۱۷	۶,۳	۱,۲	۵,۷	۶,۹	۴,۲	۸,۶

در جدول ۷ آماره‌های توصیفی به تفکیک هر یک از مجتمع‌های تجاری برای سه گروه کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری آورده شده است.

جدول ۸ - آزمون لون

نمونه موردی	آماره لون	درجه آزادی اول	درجه آزادی دوم	P مقدار
بازار هنر	۲,۶	۲	۵۶	۰,۰۸
سیتی سنتر	۰,۶۹	۲	۵۶	۰,۵

طبق جدول ۸ آزمون لون برای مجتمع‌های تجاری انجام شد و باتوجه به P مقدار به دست آمده برای هر کدام از مجتمع‌های تجاری در سطح خطای ۰,۰۵ فرض یکنواخت بودن واریانس پذیرفته می‌شود.

جدول ۹ - آنالیز واریانس:

نمونه موردی	واریانس	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	P مقدار
بازار هنر	بین گروهی	۱,۲۳	۲	۰,۶۱۶	۰,۳۹۱	۰,۶۷۸
	درون گروهی	۸۸,۲۳	۵۶	۱,۵۸		
	کل	۸۹,۴۶	۵۸			
سیتی سنتر	بین گروهی	۰,۶۵	۲	۰,۳۲	۰,۱۹۷	۰,۸۲۲
	درون گروهی	۹۱,۸۶	۵۶	۱,۶۴		
	کل	۹۲,۵	۵۸			

مهم‌ترین قسمت جدول ۹ آنالیز واریانس مقدار F است که نسبت میانگین مربعات است. مقدار F برای هر یک از مجتمع‌های تجاری در جدول ۹ آورده شده است. هم‌چنین P-value مربوط به آنها آورده شده است که بزرگ‌تر از ۰,۰۵ است و باعث می‌شود که فرض یکسان بودن میانگین سه گروه با سطح تحصیلات متفاوت پذیرفته شود و نشان می‌دهد که متغیر زنده‌واری مجتمع‌های تجاری روی افراد با سطح تحصیلات متفاوت بی‌تأثیر است.

بررسی زنده‌واری مجتمع‌های تجاری در هر یک از سرلایه‌ها

با توجه به این که زنده‌واری مجتمع‌های تجاری در سه سرلایه اقلیمی - فضایی، وهمی - خیالی و باوری - اجتماعی بررسی می‌گردد در زیر هر یک از سرلایه‌ها برای مجتمع‌های تجاری بررسی شد.

جدول ۱۰ - بررسی لایه‌های زنده‌واری

اقلیمی - فضایی	بازار هنر	سیتی سنتر
میانگین	۶,۴	۵,۹
میانه	۶,۷	۶
انحراف معیار	۱,۳۵	۱,۵۴

مطابق جدول ۱۰ در سرلایه اقلیمی - فضایی بازار هنر با میانگین ۶,۴ بیشترین میزان زنده‌واری را در این سرلایه بین مجتمع‌ها کسب کرده است پس از آن سیتی سنتر با میانگین ۵,۹ قرار دارد. هم‌چنین میانه و انحراف معیار برای هر یک از مجتمع‌های تجاری در جدول ۱۱ آورده شده است.

جدول ۱۱ - سرلایه وهمی

سیتی ستر	بازار هنر	وهمی - خیالی
۶,۸	۶,۸	میانگین
۷	۷	میانه
۱,۲۶	۱,۴۱	انحراف معیار

در سرلایه وهمی - خیالی مجتمع سیتی ستر و بازار هنر با میانگین ۶,۸ میزان زنده‌واری بیشتری دارند. میانه و انحراف معیار هر یک از مجتمع‌های تجاری نیز در جدول ۱۲ آورده شده است.

جدول ۱۲ - سرلایه باوری - اجتماعی

سیتی ستر	بازار هنر	باوری - اجتماعی
۶,۴	۷	میانگین
۶,۶	۷,۴	میانه
۱,۵۳	۱,۴۷	انحراف معیار

در جدول ۱۲ سرلایه باوری - اجتماعی بررسی شده است. بازار هنر با میانگین ۷ بیشترین میزان زنده‌واری را در این سرلایه بین مجتمع‌ها کسب کرده است پس از آن مجتمع سیتی ستر با میانگین ۶,۴ قرار دارند. هم‌چنین میانه و انحراف معیار برای هر یک از مجتمع‌های تجاری در جدول ۱۳ آورده شده است.

جدول ۱۳ - سرلایه اقلیمی - فضایی

فاصله اطمینان ۹۵ درصد		ماکسیمم	مینیمم	اقلیمی - فضایی
کران بالا	کران پایین			
۶,۷	۶	۹	۱,۳۳	بازار هنر
۶,۳	۵,۵	۸,۵	۱	سیتی ستر

جدول ۱۴ - لایه باوری - اجتماعی:

فاصله اطمینان ۹۵ درصد		ماکسیمم	مینیمم	لایه باوری - اجتماعی
کران بالا	کران پایین			
۷,۴	۶,۶	۹	۱,۹	بازار هنر
۶,۸	۵,۹	۸,۷	۱	سیتی ستر

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد مجتمع سیتی ستر و بازار هنر در هریک از لایه‌های اقلیمی - فضایی، باوری - اجتماعی و وهمی - خیالی امتیازهای بالاتری را کسب کردند بنابراین در مجموع از زنده‌واری بیشتری برخوردار هستند. طبق آزمون t تک نمونه‌ای انجام شده دریافتیم میانگین زنده‌واری مجتمع سیتی ستر بازار هنر بیشتر از مقدار متوسط ۵ است.

نظر پاسخ‌گویان در مورد زنده‌واری مجتمع‌های تجاری به تفکیک دو گروه خانم‌ها و آقایان مورد بررسی قرار گرفت که در نتیجه دریافتیم اختلاف معناداری میان نظر خانم‌ها و آقایان در مورد زنده‌واری مجتمع‌های تجاری وجود ندارد. هم‌چنین زنده‌واری مجتمع‌های تجاری از نظر افراد باسابقه کار متفاوت و هم‌چنین سطح تحصیلات متفاوت بررسی شد تا به ترتیب به این دو سؤال پاسخ داده شود که:

آیا سابقه کار افراد در نظر آنها راجع به زنده‌واری مجتمع‌های تجاری تأثیرگذار است؟

آیا سطح تحصیلات افراد در نظر آنها راجع به زنده‌واری مجتمع‌های تجاری تأثیرگذار است؟

با انجام آزمون‌های آماری دریافتیم که نظر پاسخ‌گویان در مورد زنده‌واری مجتمع سیتی سنتر و بازار هنر تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد و فرض یکسان بودن میانگین چهار گروه باسابقه کار متفاوت پذیرفته شود و نشان می‌دهد که متغیر زنده‌واری روی افراد باسابقه کار متفاوت بی‌تأثیر است. هم‌چنین با مقایسه دوبه‌دو میانگین‌ها به کمک آزمون توکی معلوم شد که به‌صورت جفت‌جفت هم اختلاف معنی‌داری با یکدیگر ندارند.

برای پاسخ به سؤال دوم نیز با انجام آزمون‌های مربوطه دریافتیم که فرض یکسان بودن میانگین سه گروه با سطح تحصیلات متفاوت پذیرفته می‌شود و نشان می‌دهد که متغیر زنده‌واری مجتمع‌های تجاری روی افراد با سطح تحصیلات متفاوت بی‌تأثیر است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بازار هنر و سیتی سنتر در مجموع نمونه‌های موفق هستند که توانسته‌اند با مخاطب ارتباط برقرار کرده و از زنده‌واری خوبی برخوردار هستند.

در این تحقیق پس از بررسی گفتمان انتقادی و نظریه فرکلاف در این مورد و تطابق‌پذیری موارد این گفتمان با مباحث لایه‌های زنده‌واری که در آن یک نگاه سیستماتیک به بنای معماری داشته دارد به این نتیجه رسیدیم که الگوی سنتی و مدرن در شهر اصفهان مطرح نمی‌باشد و عملاً به علت این که در جای درست و تعادل و طبیعی سازی محقق گردیده عملاً هیچ یک از الگوهای سنتی و مدرن ملاک تعیین طرح معماری نمی‌باشد و مهم‌ترین مورد، بحث کانتکست و زمینه و نهایتاً طبیعی سازی و تعادل بوده که هر دو بنا در زمینه شهر اصفهان جواب مثبت دادند و همین نشان‌دهنده درست بودن معادل‌سازی و تعادل و طبیعی سازی این نظریه‌ها است. به طوری که به این نتیجه رسیدیم که این دو می‌توانند بر هم منطبق باشند و ملاک تعیین طراح مجتمع تجاری قرار گیرند.

همان‌طور که ذکر شد در روش تحقیق استفاده شده ترکیبی از نوع دوم‌مرحله‌ای شامل استدلال منطقی و پژوهش موردی است که ما در پژوهش موردی مبانی نظری خود را اعتبارسنجی و تثبیت می‌نمایند در روش استدلال منطقی که نیازمند سامانه است ما دو سامانه اولیه و ثانویه داریم که سامانه ثانویه از روی سامانه اولیه و بر اساس استدلال منطقی استخراج می‌گردد.

سامانه اولیه ما اندیشه‌ها و نظریات فرکلاف (گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی) است و سامانه ثانویه زنده‌واری بود که در این پژوهش سامانه اولیه شامل سه شاخه نهایی توصیف، تفسیر، تبیین است که در اتصال با سامانه ثانویه، لایه‌های ۲۵ گانه تپش درونی و بیرونی و نهایتاً تعادل، یک ارتباط دیالکتیکی برقرار می‌نمایند به طوری که به یک بازتعریف برای ارزیابی زنده‌واری بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی می‌رسیم.

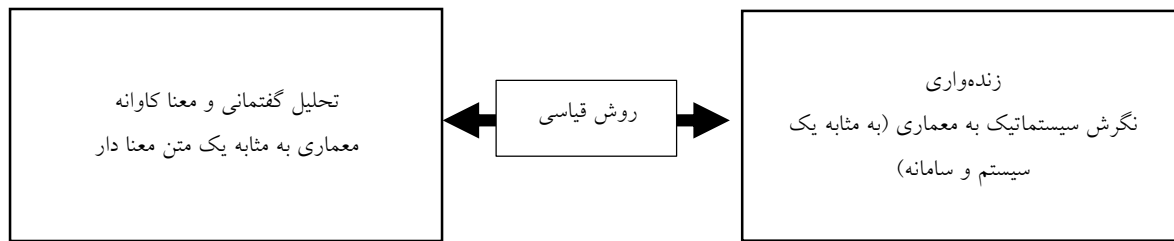
در ابتدا معماری می‌تواند در مقیاس یک نهاد اجتماعی تشکیل شده از لایه‌های زنده‌وار بوده که هم‌ارز و معادل صورت‌بندی‌های گفتمانی - ایدئولوژیک نظریه فرکلاف است.

در مرحله بعد همان‌طوری که ذکر شد زنده‌واری به‌صورت یک سامانه متشکل از لایه‌های مختلف است و بعضی لایه‌ها بقیه لایه‌ها را کنترل می‌نمایند که معادل آن در نظریه فرکلاف، گفتمان مسلط است که بقیه صورت‌بندی‌های گفتمانی - ایدئولوژیک را از لحاظ وی طبیعی سازی و سامان‌دهی می‌کند. دقیقاً همین امر در زنده‌واری هم مانند تپش درونی و بیرونی بوده و تمامی لایه‌ها توسط یک یا چندلایه کنترل شده و به تعادل می‌رسد.

نهایتاً این تحقیق به این نکته می‌رسیم که در نظریه فرکلاف شفافیت ایدئولوژیک کاهش پیدا می‌کند تا بتوانند به‌هم‌پیوسته شده و به دیدگاه اجتماعی و معنایی یک بنا برسیم و در نتیجه زنده‌واری در معماری را می‌توان کاملاً معادل نظریه گفتمان انتقادی فرکلاف دانسته و ارتباط دیالکتیکی این دو موضوع مطابق جدول ۱۵ را اثبات کنیم.

جدول ۱۵ - انطباق چارچوب زنده‌واری و نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف (نگارنده)

چارچوب زنده‌واری		تحلیل گفتمان انتقادی (معنا کاوی)
سامانه و سیستم (دارای مجموعه‌ای از لایه‌ها)	↔	صورت‌بندی‌ها (مجموعه‌ای از گفتمان و ایدئولوژی)
یک یا چندلایه مسلط و کنترل‌کننده (لایه تاریخی و زیبایی مسلط در بازار هنر)	↔	گفتمان - ایدئولوژی مسلط
تعادل سازی پویا (همراه با تپش درونی و بیرونی)	↔	طبیعی سازی و سامان‌دهی (بقیه صورت‌بندی‌ها)
کل یک سیستم در فازهای مختلف با چندلایه کنترل و به تعادل می‌رسد (دیدگاه سیستماتیک به پایداری)	↔	شفافیت ایدئولوژیک کاهش یافته تا پیوستگی بین بقیه صورت‌بندی‌ها شکل گیرد. طوریکه تعادل پایدار اجتماعی شکل می‌گیرد. (دیدگاه معنا کاوی و گفتمانی)
نتیجه تحقیق: لایه‌های زنده‌واری می‌توانند صورت‌بندی‌های گفتمانی - ایدئولوژیک محسوب شوند که مطابق این جدول همسان‌سازی و معادل‌سازی می‌گردد. طوریکه به یک بازتعریف برای ارزیابی زنده‌واری بر اساس تحلیل گفتمان انتقادی می‌رسیم.		



شکل ۷ - هم‌ارزی و انطباق زنده‌واری و معنا کاوی اجتماعی:

بازتعریف مجدد ارزیابی زنده‌واری به‌طوری که معماری را به‌صورت یک متن همراه با روش تحلیل گفتمان فرکلاف دیده و بسنجیم.

نتیجه اول: زنده‌واری یک نظریه پسااخترارگرا بوده به طوری که لایه‌های زنده‌واری منطبق بر صورت‌بندی‌های گفتمانی فرکلاف است و به‌طورکلی ما بعضاً نظریات گفتمان انتقادی فرکلاف در معماری زنده با هماهنگی و تطابق اثبات گردید به طوری که سامانه زنده‌واری به‌عنوان سامانه ثانویه فرکلاف و گفتمان انتقادی محسوب می‌شود.

نتیجه دوم: در راستای بازتعریف چارچوب زنده‌واری با معناکاوی اجتماعی، الگوی جدید برای مراحل ارزیابی زنده‌واری در معماری ارائه می‌گردد. پس نتیجه این تحقیق ارائه الگویی جدید جهت ارزیابی زنده‌واری بر اساس دیدگاه گفتمان انتقادی و نگاه متن وار و گفتمانی به بنای معماری بوده که شامل این موارد است:

- ۱- بررسی لایه‌ای ۲۵ گانه زنده‌واری که معادل و هم عرض توصیف برای بیان بنای معماری است
- ۲- بررسی تپش درونی و بیرونی زنده‌واری که معادل و منطبق بر تفسیر از لحاظ گفتمان انتقادی فرکلاف می‌گردد
- ۳- نهایتاً تعادل پایدار زنده‌واری که باعث طبیعی سازی و تبیین یک بنای معماری و بررسی جایگاه جدید اجتماعی آن از لحاظ فرکلاف می‌گردد.

قابل ذکر است تمامی این موارد با تحلیل‌های آماری در پژوهش موارد ذکر شده بررسی گردید. همان‌طور که از تحلیل‌های آماری منتج شد مشخص گردید که دیدگاه سنتی و مدرن به مجتمع‌ها و بازارهای تجاری، ملاک موفقیت برای این نوع کاربری نمی‌باشد زیرا هم بازار هنر اصفهان با رویکرد تاریخی و هم سیتی‌سنتر اصفهان با رویکرد مدرن بسیار موفق بوده و ارتباط قوی با مردم برقرار نموده است.

منابع

- آقا گل‌زاده، فردوس (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران، علمی و فرهنگی.
- ایروانی، ه (۱۳۸۹). تدوین معیارهای پایداری از طریق مقایسه تطبیقی شهرهای سانتافه آمریکا و زواره (ایران)، رساله دکتری معماری، اپ نشده، تهران.
- ایروانی، ه؛ زمانی، ن (۲۰۲۱). اصول طراحی اقامتگاه‌های روزانه سالمندان با رویکرد زنده‌واری، نشریه معماری شناسی، ۱۹(۴)، ۱۳۴-۱۴۳.
- ایروانی، ه؛ زمانی، ن (۱۳۹۷). اصول طراحی اقامتگاه‌های روزانه سالمندان با رویکرد زنده‌واری، اصفهان، انتشارات شهید حسین فهمیده.
- پورهمایون، ع؛ ایروانی، ه؛ رشتیان، هوتن (۲۰۲۱). واکاوی مؤلفه‌های توسعه پایدار در بازارهای شهری با تأکید بر زنده‌واری نمونه موردی: بازار تاریخی شهر اصفهان، فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۱۳(۱)، ۱۳-۴۵۲.

جعفری، ز (۱۳۸۹). مجموعه روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، روش تحلیل گفت‌مان، کتاب ماه (علوم اجتماعی)، شماره ۲۵، ۶۵-۷۵، تهران، انتشارات بنیاد محقق طباطبایی.

فرکلاف، ن (۱۳۹۹). تحلیل گفت‌مان انتقادی، ترجمه قاسمی، تهران، اندیشه احسان.

Chiapello, E & Fairclough, N (2002). Understanding the new management ideology: a transdisciplinary contribution from critical discourse analysis and new sociology of capitalism. *Discourse & society*, 13(2): 185-208.

Fairclough, N, Jessop, B & Sayer, A (2004). Critical realism and semiosis. *Realism, discourse and deconstruction*: 23-42.

Helgason, I, Smyth, M, Speed, C (2012). Aspects of Lifelikeness: A Framework for Optional Interactions with Public Installations. Poster, Designing Interactive Systems DIS.

Iravani, H (2015a). Zendevari (lifelikeness) a New Framework derived from Sustainability for Development in the Built Environment. *Indian Journal of Science and Technology*; 8(12): 1.

Iravani, H (2015b). Zendevari (Lifelikeness) a New Framework Derived from Sustainability for Development in the Built Environment. *Indian Journal of Science and Technology*; 8(12).

Iravani, H., Mirsafaei, E., & Fakhri, M (2015). The Secret of Zendevari (Life Likeness) of Khajoo Bridge.

Iravani, H, Moradpour, S, Kahrouei, S. H. C & Dehghani, M. Analysis of zendevari (lifelikeness) in Iranian traditional markets using SWOT technique (A Case Study of Qeisarieh market in Isfahan).

Iravani, H, Salehi, F, Zamani, N, Hashemi, E (2018). An Evaluation of Zendevari (Lifelikeness) in the Architecture of Imam Jome'eh House in Isfahan. *International Journal of Architecture and Urban Development*; 8(3): 49-60.

Evaluation of the Efficiency of Modern Architectural Approach in Comparison with Traditional Architectural Approach using lifelikeness (zendevari) Framework and Fairclough Critical Discourse Theory (Case Study of City Center and Isfahan Art Market)

Abdolreza Porahmayun¹, Hoten Irvani², Seyed Mohammad Rashtian³, Mohammad Baharond⁴

1. PhD Researcher, Faculty of Architecture, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran
2. In charge of correspondence, Assistant Professor, Faculty of Architecture, Islamic Azad University, Ardestan Branch, Isfahan, Iran
3. Assistant Professor, Faculty of Urban Planning, Islamic Azad University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran
4. Assistant Professor, Faculty of Architecture - Islamic Azad University, Isfahan Branch, Isfahan, Iran

Abstract

The sustainability approach in architecture includes the concept of lifelikness (zendevari). Sustainability, with its emphasis on maintaining the relationship between human and the environment, seeks to explain the viability of the architectural space through the continuation of the human relationship with the environment. Living is a man-made product in which human himself plays an essential role in its lifelikness. Hence, a living architecture responds to all dimensions and aspects of human existence, including objective and mental dimensions. The purpose of this study is to investigate the effectiveness of the modern architectural approach compared to the traditional architectural approach using a lifelikness (zendevari) framework. This research is applied in terms of purpose and in terms of nature, descriptive and survey as well as analytical. The method of analyzing the information and data obtained from studying maps and converting them into basic logic systems, as well as data from interviews and questionnaires, was analyzed using Fairclough discourse analysis at three levels of description, interpretation and explanation. A model of discourse analysis is developed to redefine the concept of lifelikness (zendevari) in architecture. After examining the critical discourse and Fairclough theory in this case and the compatibility of the cases of this discourse with the issues of living layers in which there is a systematic view of architecture, we came to the conclusion that the traditional and modern model in Isfahan is not relevant. That it has been achieved in the right place and balance and naturalization is practically none of the traditional and modern models is the criterion for determining the architectural design and the most important thing is the discussion of context and context and finally naturalization and balance. And this shows the correctness of equilibrium and naturalization of these theories. So, we came to the conclusion that the two can be compatible and be the criteria for determining the designer of a commercial complex.

Keywords: Lifelikness (zendevari), Meaning of environment, Meaning mining, Discourse analysis, Fairclough.